

جهاد سازندگی در برابر بروکراسی مدرن

الگوی جهاد سازندگی باید بهینه و سازگار شود



که توانست به برخی اهداف خود برسد. البته برخی از اهداف خود را هم نتوانست به خوبی به سرانجام برساند.

تداوم تجربه

اما چرا این تجربه تداوم نیافت؟ متصدیان امر فکر می‌کردند آنچه که غرب در امور سازمانی انجام می‌دهد کاملاً بی‌اشکال است یا حداقل اشکالات بسیار کمتری دارد. به همین دلیل و به مرور زمان در اثر مواجهه زیاد با اشکالات فناوری که در کشور و در جهاد سازندگی پیش آمده بود، به این نتیجه رسیدند که دوباره با یک علم اجمالی سراغ فناوری غرب بروند. علت کنار گذاشتن این تجربه حداقل در آن برهه زمانی، آشنایی تفصیلی با مشکلات جهاد در داخل کشور و علم اجمالی نسبت به نظام مورد استفاده در غرب بود که ترکیب این دو باعث کنار گذاشته شدن فناوری جهاد شد.

به هر جهت، از همان ابتدا که جهاد سازندگی شکل گرفت، تقریباً اکثر سازمان‌های بعدی از «پایین به بالا» تشکیل شدند؛ یعنی ابتدا ساختار شورایی به خود گرفته تا این که شورای نهایی به وزارتخانه برسد. اشکال دیگر این قبیل سازمان‌ها «موازی‌کاری» بین اجزای آن است. اشکال دیگر، «کاهش فرمان‌پذیری» در این سازمان‌ها است به این نحو که مجموعه‌ها فرمان مقام مافوق را به آسانی نمی‌پذیرند. اشکال دیگری که متوجه این سازمان است بحث «مهندس بودن

دکتر سیدمجتبی امامی



عمق تجربه

در اینکه جهاد سازندگی دارای دستاوردهایی بوده شکی نیست، اگرچه اشکالاتی هم متوجه این مجموعه بوده است. به نظر می‌رسد باید تجربه جهاد سازندگی را در سابقه تاریخی انقلاب اسلامی مشاهده کنیم. علاوه بر سلطه سیاسی شاه یکی از دغدغه‌های مهم دیگر انقلاب اسلامی در همان روزهای آغازین، نظام بروکراسی موجود در جامعه بود که اتفاقاً مردم هم با آن مواجه بوده و از آن آسیب دیده‌اند؛ تا جایی که اصلاح بروکراسی زمان شاه در همان چند سال اول انقلاب حتی در مقدمه قانون اساسی هم مورد بحث قرار گرفته است.

جهاد سازندگی جوانه‌ای است که در این راستا تبلور پیدا کرده است. کسانی که این کار را شروع کردند تا حدی می‌دانستند که چه چیزی را نمی‌خواهند و تا حد اندکی هم می‌دانستند که چه چیزی را می‌خواهند. به همین دلیل یک تجربه سازمانی جدید را شکل دادند که در نتیجه آن ما صاحب جهاد سازندگی شدیم. تشکیل جهاد سازندگی یک تجربه جدید یا به عبارت دیگر یک فناوری جدید بود